

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سی و یکمین سالگرد جنایت هولناک فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی



هم‌میهنان شریف و آگاه!

با فرارسیدن مرداد و شهریورماه ۱۳۹۸، سی و یک سال از فاجعه ملی قتل عام هزاران زندانی سیاسی، به فرمان مستقیم ولی فقیه حکومت اسلامی، آیت‌الله خمینی، می‌گذرد. سی و یکمین سالگرد فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در حالی فرامی‌رسد که یکی از سازمان دهندگان و مجریان اصلی این جنایت هولناک، ابراهیم رئیسی، بر مسند ریاست قوه قضائیه کشور تکیه زده است. دیگر امر دهندگان و مجریان این فاجعه، از جمله جنایتکاری همچون مصطفی پورمحمدی، وزیر سابق دادگستری در دولت روحانی و مشاور کنونی رئیس قوه قضائیه و دبیرکل جامعه روحانیت مبارز، گستاخانه در رسانه‌های همگانی کشور به این عملکرد ضد بشری‌شان افتخار می‌کنند و بر ادامه دادن به چنین سیاست‌هایی تأکید می‌ورزند. اگرچه با گذشت بیش از سی و یک سال از این فاجعه بزرگ، بسیاری از حقایق درباره چگونگی سازمان‌دهی و هدف‌های ضد بشری این کشتار زندانیان سیاسی روشن شده است، با این‌همه، سران رژیم و دست‌اندرکاران این جنایت همچنان تلاش می‌کنند تا با قلب واقعیت و استفاده گسترده از رسانه‌های تبلیغاتی این جنایت هولناک را موجه جلوه دهند.

حسین موسوی تبریزی، دادستان انقلاب رژیم در آغاز سال‌های دهه ۱۳۶۰، اخیراً در گفت‌وگویی با «اعتمادآنلاین» گفت: «آن موقع وزارت اطلاعات در دست آقای شهری [محمد محمدی نیک] بود. آن زمان تدریجی‌هایی صورت می‌گرفت که من نمی‌توانم نفی‌شان کنم؛ مثل قتل‌های زنجیره‌ای [کشتار هزاران زندانی سیاسی در زندان‌های کشور] در سال ۶۷... از آقای ری‌شهری پرسید که آن زمان وزیر اطلاعات بود و شروع آن ماجرا از وزارت اطلاعات بود. در واقع پس از حمله مرصاد که بعد از قطعنامه رخ داد، آقای ری شهری به امام نامه نوشته و توضیح داده بود که مجاهدین با صدام کنار آمده‌اند و می‌خواهند شهرها را تصرف کنند... هرکسی ادعای توبه می‌کرد و راضی به مصاحبه می‌شد، یا آزاد می‌شد یا در زندان باقی می‌ماند و هرکسی توبه نمی‌کرد یا حاضر نبود توبه اش را در مصاحبه اعلام کند، اعدام می‌شد.»

اگرچه واقعیت امر این است که در جریان فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی، بخش عمده‌ای از اعدام‌شدگان از بین اعضا و هواداران صادق و مبارز سازمان مجاهدین خلق ایران بودند که به‌بهانه حمله نظامی رجوی به ایران (با یاری رژیم صدام حسین) اعدام شدند، اما با توجه به مجموعه اسنادی که تا کنون در این زمینه منتشر شده است، روشن است که کشتار هزاران زندانی از جمله زندانیان توده‌ای، فدایی و دیگر نیروهای سیاسی کشور - زندانیانی که بسیاری از آنان قبلاً در بیدادگاه‌های قوه قضائیه رژیم ولایت فقیه محاکمه و به زندان محکوم شده بودند - جز پاک‌سازی بزرگ و خونین مخالفان سیاسی رژیم به‌هدف تأمین دوام حکومت اسلامی چیز دیگری نبود.

حزب توده ایران از اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۷، از ماه‌ها پیش از آغاز کشتار فرزندان میهن، درباره خبرهای نگران‌کننده‌ای که از زندان‌های رژیم می‌رسید به‌طور مرتب و به‌روز شده اطلاع‌رسانی می‌کرد، هشدار می‌داد، و همه نیروهای مترقی ایران و جهان را فرامی‌خواند تا برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران تلاش‌هایشان را تشدید کنند. در واقع باید گفت که این کشتار تاوان شکست خفت‌بار سیاست ایران برپاداده «جنگ، جنگ تا پیروزی» رژیم ولایتی در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق بود که مردم و فرزندان‌شان باید می‌پرداختند، سیاستی که با همه مخالفت‌ها و ناراضی‌هایی که از سوی اکثر مردم و نیروهای ملی و آزادی‌خواه کشور نسبت به آن ابراز می‌شد، خمینی و سران رژیم بر آن اصرار ورزیدند و بر میهن ما تحمیل کرده بودند. افزون بر صدها هزار تن از جوانان کشور که در جبهه‌های جنگ نابود شدند، مبارزان قهرمان راه آزادی که اسیر رژیم بودند، یعنی زندانیان سیاسی، نیز با جان خود تاوان آن را پرداختند.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و پایان جنگ که خمینی آن را به «توشیدن جام زهر» توصیف کرد، درحقیقت قبول مسئولیت سیاست‌های نابخردانه، ضدملی، و فاجعه‌بار ادامه جنگ ایران و عراق از سوی خمینی و دیگر سران رژیم بود. خمینی و سران رژیم «جام زهر» را شش سال پس از آزاد شدن خرمشهر نوشیدند، یعنی در مقطعی از جنگ که حزب توده ایران آن را شرایطی مناسب به‌منظور پایان دادن به جنگ اعلام کرد، و به‌همین دلیل حزب ما زیر رگبار زهرآگین شدیدترین حمله‌های تبلیغاتی سران رژیم قرار گرفت. خمینی و میراث‌خواران استبداد ولایت فقیه، یعنی خامنه‌ای، رفسنجانی، احمد خمینی و دیگر مهره‌های رژیم جهل و استبداد که نگران زوال حیات سیاسی رژیم‌شان بودند، با سازمان‌دهی کشتار همگانی در جریان فاجعه ملی ۶۷، جمعی از پیگیرترین و فداکارترین شخصیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مردمی ایران را به قتلگاه کشانند تا آینده سیاسی‌شان و دوام دوران حکومت جهل و جنایت ولایتی را طولانی‌تر کنند.

از جمله سندهای تاریخی و ماندگاری که پرده از جنایت هولناک سران رژیم و مجریان آن برمی‌دارد، نوار صوتی گفت‌وگوی زندیاد آیت‌الله منتظری با عاملان کشتار زندانیان سیاسی است که در سال ۱۳۹۵ منتشر شد. در جلسه ۲۴ مردادماه ۱۳۶۷ آقای منتظری با گروه مرگ اعزامی رژیم به زندان‌ها که عبارت بودند از: حسینعلی نیری، در مقام حاکم شرع وقت؛ مرتضی اشراقی، دادستان وقت؛ مصطفی پورمحمدی، در مقام نماینده وقت وزارت اطلاعات در زندان اوین، و ابراهیم رئیسی، معاون وقت دادستان کشور، آقای منتظری اعدام‌های صورت گرفته را بزرگ‌ترین جنایتی که در جمهوری اسلامی از اول انقلاب تا آن زمان انجام شده نامید، و خطاب به حاضران جلسه گفت: «می‌خواهم ۵۰ سال دیگر برای آقای خمینی قضاوت نکنند و بگویند آقای خمینی یک چهره خون‌ریز، سفاک و فتناک [گستاخ] بود و به‌نظر من این بزرگ‌ترین جنایتی که از اول انقلاب تا حالا در جمهوری اسلامی شده است و در تاریخ ما را محکوم می‌کنند... و شما را در آینده جزء جنایتکاران تاریخ می‌نویسند.»

فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی و دگراندیش و عملکرد چهل‌ساله رژیم ولایت فقیه، تجربه تاریخی مهمی است که باید برای همه نیروهای آزادی‌خواه و دموکرات کشور ماهیت واقعی رژیم حاکم را روشن کند. حکومتی که بر پایه‌های فکری «اسلام سیاسی» و ابدی بودن حاکمیت مطلق روحانیت تکیه دارد، همچنان که تجربه سال‌های اخیر نشان داده است، جز زور، سرکوب و تداوم جنایت به‌منظور ادامه حیات خود ابزار دیگری نمی‌شناسد. از سرکوب خشن و خونین اعتراض‌های مردمی در بیش از هشتاد شهر کشور، در

دی‌ماه ۱۳۹۶، سرکوب خشن اعتراض‌های به‌حق کارگری به شرایط طاقت‌فرسای فقر و محرومیت، به‌راه انداختن بیدادگاه‌هایی فرمایشی و صدور حکم‌هایی جابرانه و ضد انسانی برای فعالان کارگری کارخانه هفت‌تپه و کسانی که جرم اصلی‌شان دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان است گرفته تا دستگیری و آزار فعالان مدنی و زنان مبارزی که جرم‌شان اعتراض به ادامه حکومت خامنه‌ای است، همگی پیام روشنی در بر دارند: رژیم حاکم بر میهن ما، حکومتی است که برخلاف همه مدعیات سران آن و مبلغان موسمی "انتخابات‌ش و توهم پراکنان درباره امکان احترام این حاکمیت به رأی و خواست مردم، نه اصلاح‌پذیر است و نه در آن هیچ قانونی (حتا قانون اساسی موردقبول حکومت)، هیچ دستگاه اجرایی، هیچ قانون‌گذار و قاضی‌ای و هیچ خواست و اراده‌ای ملی و مردمی در برابر نظرات ولی فقیه پیشیزی ارزش نداشته و نخواهند داشت.

ازجمله مسائل مهم دیگری که باید بر آن تأکید کرد این است که اعتراض روشن و خواست رسیدگی مستقل به این جنایت هولناک از سوی همه خانواده‌های جان‌باختگان فاجعه ملی و همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور خواستی ملی است. از این‌رو، باید به خط قرمزی به‌منظور ارزیابی مدعیات و شعارهای نیروهای درون و پیرامون حکومتی تبدیل شود. سکوت در برابر جنایت و جنایت‌پیشگی سرانجامش همان می‌شود که ما در قتل‌های زنجیره‌ای فروهرها، مختاری و پوینده در سال ۱۳۷۷، و در ادامه آن‌ها سرکوب‌های خونین رژیم در تیرماه ۱۳۷۸ در دانشگاه‌های کشور دیدیم و پس از آن هم در جریان سرکوب خونین اعتراض‌های مردم در سال ۱۳۸۸ و فجایع کهریزک شاهد آن بودیم و بعد هم در سرکوب اعتراض‌های مردمی در بیش از هشتاد شهر کشور در دی‌ماه سال ۱۳۹۶ شاهد آن بودیم و در ماه‌های اخیر نیز در یورش وحشیانه گزندگان رژیم بر ضد اعتراض‌های کارگری و فعالان مدنی شاهد بوده‌ایم. سکوت هشت‌ساله "دولت اصلاحات" و "مجلس اصلاحات" و نیز مدعیان "مردم‌سالاری اسلامی" که حاضر نشدند در راه روشن کردن حقایق درباره فاجعه‌های رخ داده و توضیح آن‌ها برای مردم هیچ اقدام یا گامی بردارند، درواقع شرح روشنی است درباره مرزهای مشخص نیروهای "خودی" و "غیرخودی" در چارچوب رژیم ولایت فقیه.

هم‌میهنان آگاه و مبارز!

حزب توده ایران، همچون دیگر نیروهای چپ و آزادی‌خواه کشور، شماری از برجسته‌ترین رهبران، کادرها، اعضا و هواداران وفادار خود را از دست داد. در بین اعضا و هواداران و رهبران توده‌ای که اعدام شدند گروهی از زندانیان سیاسی دوران حکومت پهلوی، یعنی کسانی که بیش از بیست‌وپنج سال از عمرشان را در زندان‌ها سپری کرده بودند، عده‌ای متفکر، روشنفکر، نویسنده، مترجم و هنرمند بنام، افسرانی شجاع و میهن‌دوست و دانشمند از نیروهای مسلح، سندیکالیست‌هایی مبارز و نستوه و نمایندگان کارگران و زحمتکشان ایران بودند. دستگاه‌های امنیتی رژیم بر این باور بودند که در پی کشتار رهبران و کادریهای برجسته حزب و همچنین تداوم و تکرار دیگر برنامه‌های امنیتی- تبلیغاتی خواهند توانست صدای رسای و تأثیربخش زحمتکشان میهن ما، صدای حزب توده ایران را برای همیشه خاموش کنند، اما همان‌طور که موسوی اردبیلی، رئیس قوه قضائیه رژیم در سال‌های دهه ۱۳۶۰ اذعان کرده بود، ریشه‌های عمیق و تنومند اجتماعی حزب توده ایران نیرومندتر از آن بود که تاریخ اندیش‌شان حاکم بر میهن ما بتوانند آن را با وجود این هجوم گسترده و سرکوب خونین نابود کنند. ادامه حیات حزب توده ایران در سی‌ویک سال گذشته و حضور پرثمر آن در عرصه مبارزه سیاسی- اجتماعی کشور، با همت توده‌ای‌ها در ایران و خارج از ایران، نشانگر شکست سیاست جنایتکارانه رژیم در جهت نابود کردن حزب ما و همچنین دیگر سازمان‌های مترقی و آزادی‌خواه ایران است.

هم میهنان گرامی!

تجربه روشن و دردناک دهه‌ها حکومت رژیم فقیهان بر میهن ما، مؤید این واقعیت مهم است که تا حکومت سازمان‌دهندگان و مجریان کشتار زندانیان سیاسی ادامه دارد میهن ما روی آرامش، آزادی و عدالت را به خود نخواهد دید! نه تنها اکثریت قاطع مردم میهن ما با پوست‌وگوشت خود نتایج فاجعه‌بار حاکمیت تاریک‌اندیشان و حکومت‌مداران جبار و ظالم را حس کرده‌اند، بلکه بخش‌هایی از نیروهای خودی حاکمیت نیز به آن معترف‌اند که وضعیت فاجعه‌بار کنونی، از فقر و محرومیت و ظلم بی‌سابقه تا فساد نهادینه‌شده و آشکارا در تمامی دستگاه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی جمهوری اسلامی و ادامه سرکوب خشن و خونین اعتراض‌های مردمی و دگراندیشان، در تاریخ معاصر میهن ما بی‌سابقه است و دوام چنین اوضاعی بسیار بعید است.

حزب توده ایران در کنار دیگر نیروهای آزادی‌خواه، ملی و دموکراتیک کشور بار دیگر تأکید می‌کند که برای شکستن توطئه سکوت درباره فاجعه ملی همه تلاش‌ها را باید تشدید کرد. مبارزه و فشار به‌منظور گشوده نگه‌داشتن پرونده این جنایت و تلاش در راه روشن کردن همه ابعاد گوناگون آن، رسیدگی به خواست خانواده‌های قربانیان این فاجعه هولناک بی‌شک در مبارزه‌ای که در میهن ما برای دستیابی به صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در جریان است نقشی مهم و تعیین‌کننده دارد. وظیفه انسانی، مردمی و تاریخی همه نیروهای ترقی‌خواه و مدافع آزادی است که در راه تحقق این مهم تلاش‌های‌شان را تشدید کنند.

دستگاه سرکوب و امنیتی ارتجاع حاکم در مردادماه و شهریورماه ۱۳۶۷ هزاران مبارز راه آزادی با اندیشه‌ها سیاسی گوناگون، اما هم‌صدا و معتقد به مبارزه در راه سربلندی و آزادی کشور در صفی متحد را به چوبه‌های دار سپرد. امید اینکه این همبستگی و ایستادگی تاریخی قهرمانان خلق در دشوارترین لحظه‌های عمر پربارشان در برابر جنایتکارانی همچون نیری، اشراقی، مصطفی پورمحمدی، و ابراهیم رئیسی و بیدادگاه‌های رژیم، به انگیزه‌ای نیرومند برای تشدید مبارزه مشترک همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه کشور در راه پایان دادن به حکومت استبداد و استقرار حاکمیتی مردمی بر ویرانه‌های آن تبدیل شود.

* ماندگار باد خاطرۀ تابناک مبارزات دلیرانه قهرمانان خاموش خلق که در فاجعه ملی کشتار هزاران زندانی سیاسی جان باختند!

* درود بیکران به مادران، پدران، همسران، فرزندان و وابستگان جان‌باختگان فاجعه ملی که استوار و خستگی‌ناپذیر از حقانیت مبارزه فرزندان سربلند خلق در برابر رژیم ولایت فقیه دفاع کرده و می‌کنند!

* آزادی برای همه زندانیان سیاسی - عقیدتی!

* دست در دست هم برای سازمان‌دهی مبارزه مشترک همه نیروهای ملی و آزادی‌خواه برای طرد رژیم استبدادی و ضد مردمی ولایت فقیه!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۲۸ مردادماه ۱۳۹۸